

مشارکت زنان در بازار کار و کاهش فرزندآوری

8 دی 1403

کاهش فرزندآوری یکی از بحران‌های جمعیتی در ایران است، به گونه‌ای که نرخ باروری، پایین‌تر از متوسط جهانی و نیز پایین‌تر از نرخ جانشینی فرزندآوری است. تعداد فرزندان به ازای هر زن در سال ۱۴۰۲، ۱.۷ بوده، در حالی که نرخ جانشینی باروری که روند ترمیم جمعیت را تضمین می‌کند، معادل ۲.۱ است. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه روند کاهش باروری و کاهش جمعیت تقریباً در اکثر کشورهای جهان روی داده، اما ایران این فرآیند را با حداکثر سرعت ممکن طی کرده است. به عنوان مثال، در کشورهایی مانند انگلیس، هلند و ایالات متحده بین ۹۵ تا ۸۲ سال طول کشیده تا نرخ فرزندآوری از ۶ به ۳ کاهش یابد و برای ترکیه، ۲۷ سال و برای ایران فقط ۱۰ سال طول کشیده است (۱۳۶۵-۱۳۷۵).

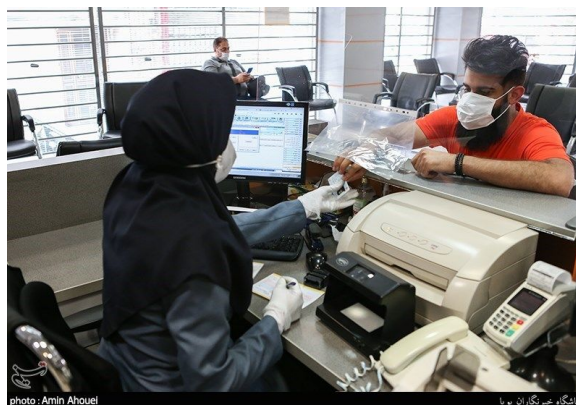
نظر به اینکه فرزندآوری از جمله شاخص‌هایی است که عوامل و سیاست‌های متعددی بر آن تأثیرگذار هستند، برای برون‌رفت از وضعیت کنونی لازم است تمامی متغیرهای زمینه‌ای اقتصادی، اجتماعی، سلامتی، فرهنگی و سیاسی و اثرات تداخلی آنها بر یکدیگر مدنظر قرار گیرند تا به راهکارهای اثربخش منجر شود. یکی از دلایل اقتصادی-اجتماعی کلاسیک ذکرشده برای کاهش نرخ باروری، افزایش مشارکت زنان در بازار کار بوده است و همچنان برخی افراد آن را علتی برای کاهش فرزندآوری می‌دانند، اما شواهد آماری متعدد بین‌کشوری و درون‌کشوری نشان می‌دهند که این عامل برای کاهش نرخ باروری در ایران قابل توجیه نیست.

براساس اطلاعات موجود در گزارش‌های مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت زنان در بازار کار ایران طی ۵۰ سال گذشته تغییر زیادی نداشته و از ۱۳.۴۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۴.۲ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته، این درحالی است که نرخ باروری از ۶.۰۷ درصد به ۱.۷ درصد کاهش یافته است. بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که افزایش حدود ۰.۸ درصدی مشارکت زنان طی ۵۰ سال اخیر به این میزان کاهش در نرخ باروری منجر شده باشد، بلکه عوامل دیگری بر این روند موثر بوده‌اند. همچنین مقایسه بین کشوری نشان می‌دهد با وجود اینکه نرخ مشارکت زنان در عربستان سعودی و عمان بیش از دوبرابر ایران است، اما نرخ باروری بالاتری نیز دارند.

از سوی دیگر ساختار سنی مادران باردار در ایران نشان می‌دهد که بیشترین سهم فرزندآوری متعلق به زنان گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال است، در حالی که در الگوی جهانی، خواه کشورهای پردرآمد و خواه کم‌درآمد، بیشترین سهم فرزندآوری به گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال تعلق دارد. هنگامی که الگوی سنی باروری را در کنار الگوی سنی اشتغال زنان قرار دهیم مشاهده می‌شود که بیشترین سهم بازار نیروی کار به گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال مربوط است.

از این‌رو می‌توان گفت یکی از دلایل مهم به تعویق انداختن فرزندآوری، تلاش زنان برای یافتن شغل قبل از فرزندآوری است. با لحاظ اینکه طی نیم‌قرن اخیر میزان مشارکت زنان در بازار نیروی کار تغییر قابل‌توجهی نکرده، اما نرخ باسوادی و سطح آموزش به میزان زیادی در میان آنها افزایش یافته است، رقابت برای دستیابی به شغل، بانوان را وامی‌دارد تا باروری را به تأخیر انداخته و شغل مناسبی پیدا

کنند. بنابراین افزایش مشارکت زنان در بازار نیروی کار نه تنها فرزندآوری را کاهش نمی‌دهد، بلکه با بهبود وضعیت اقتصادی خانوار به افزایش باروری و تعدد موالید کمک می‌کند.



با در نظر گرفتن افزایش شدید هزینه‌های فرزندآوری و تربیت فرزند، داشتن شغل و درآمد توسط مادر و وجود قوانین شغلی و بیمه‌ای حامی مادران را می‌توان به عنوان عامل مثبتی برای قانون جوانی جمعیت و ارتقای وضعیت فرزندآوری مدنظر قرار داد.

قابل ذکر است که در کنار تاثیر اشتغال زنان بر نرخ باروری، لازم است در بلندمدت با بهبود وضعیت رفاه اقتصادی، کاهش و کنترل هزینه‌های تربیت کودکان، فراهم‌آوری زمینه برای تغییر در میانگین سن ازدواج، اصلاح روند نرخ ازدواج و طلاق، توجه به حقوق زنان در خانواده، توجه به تغییر در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مربوط به خانواده و فرزندآوری، شرایط لازم برای افزایش نرخ باروری فراهم شود.

دکتر سارا امام‌قلی‌پور / استاد اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران